

یک روز پس از پایان رسمی مأموریت جنگی ناتو در افغانستان



صفحه ۶

آلمان:

خروج ناتو از افغانستان نقطه عطفی در تاریخ این کشور است



دولت آلمان پایان مأموریت نظامی ناتو در افغانستان را نقطه عطفی در تاریخ کشور دانست. کریستیانه ویرتس یکی از سخنگویان دولت آلمان روز دوشنبه در یک نشست خبری با خبرنگاران با اشاره به روزهای پایانی سال ۲۰۱۴ و پایان یافتن مأموریت نظامی ناتو در افغانستان گفت: ناتو بعد از ۱۳ سال حضور نظامی در افغانستان به موفقیت‌های مهمی دست یافت اما برای رسیدن به هدف نهایی در این کشور همچنان راه طولانی در پیش داریم. این مقام دولت آلمان به ادامه حضور برخی از نظامیان آلمان در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ اشاره کرد و تاکید کرد: ادامه مأموریت نظامیان خارجی از جمله سربازان... ادامه صفحه ۶

پاسخ رییس اجرایی به هیأت مجلس در پیوند به تأخیر در معرفی کابینه:

نامزدان ما هفته‌ها پیش مشخص شده است اما از رییس جمهور درک ندارد



در رأس وزارت خانه‌ها و ولایات، وضعیت افغانستان را در حالت بدی قرار داده و تلاش‌های جدی برای معرفی نامزد وزیر کابینه جریان دارد. دکتر عبدالله عبدالله رییس... ادامه صفحه ۶

دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی در دیدار با هیأت اداری مجلس نمایندگان گفته است که لیست نامزد وزاری که مربوط رییس جمهور غنی می‌شود، تا هنوز نهایی نشده است. آقای عبدالله گفت: فهرست نامزد وزرای خود را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان نهایی کرده است. آقای عبدالله گفت که رییس جمهور تا حال، فقط دو نامزد وزیر را نهایی کرده و سایر نامزد وزرا باقی مانده است. آقای عبدالله با ابراز نگرانی گفت که حضور سرپرست‌ها

اوباما با اعلام پایان جنگ افغانستان:

افغانستان همچنان مکانی خطرناک است



رییس جمهوری آمریکا با اعلام رسمی پایان عملیات ۱۳ ساله ائتلاف ناتو در افغانستان اعلام کرد که این کشور همچنان مکانی خطرناک به شمار می‌رود. به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا اعلام کرد با پایان عملیات ۱۳ ساله ائتلاف ناتو در افغانستان این عملیات به «نتیجه‌ی مسوولانه» ختم شده است. رییس جمهوری آمریکا گفت: در ۱۳ سال گذشته نزدیک به سه هزار تن قربانی شدند و کشور ما در افغانستان در حال جنگ بوده است. اکنون با توجه به جانفشانی‌های قابل توجه مردان و زنان ما در لباس‌های رزم در افغانستان عملیات ما در این کشور پایان می‌یابد و به این ترتیب بزرگترین جنگ در تاریخ آمریکا با «نتیجه‌ای مسوولانه» به خاتمه می‌رسد. امروز ما از نظامیان و از کارکنان اطلاعاتی خود که بی‌وقفه علیه تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر جنگیده‌اند قدر دانی می‌کنیم. این افراد هسته رهبری القاعده را از میان بردند، اسامه بن لادن را به سزای اعمال خود رساندند. نقشه‌های تروریستی را مختل کردند و جان تعداد بی‌شماری از آمریکایی‌ها را نجات دادند. ما اکنون امن‌تر

ادامه صفحه ۶

والی کنر:

صدها خانواده در دانگام مجبور به ترک خانه‌های شان شده‌اند



درگیری میان نیروهای امنیتی و مخالفان مسلح د ولسوالی دانگام ولایت کنر بیش از دو هفته طول کشیده و هنوز هم آتش جنگ از دره‌ها و قلعه‌های بلند این ولسوالی زیانه می‌کشد. مقامات ولایت کنر می‌گویند، این جنگ خسارات زیادی را به باشندگان دانگام وارد کرده و صدها خانواده مجبور به ترک... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



«آیا یک زن از ما پشتیبانی می‌کند؟»



فریدمن، لوکاس و افسانه کارآمدی بازار آزاد



ابوالمعانی بیدل «فلسوف زمان»



بزرگترین برنامه شنود انگلیس از جنگ دوم جهانی در افغانستان

ادامه صفحه ۶

برگردان: خواجه بشیر احمد انصاری

«آیا یک زن از ما پشتیبانی می کند؟»

بخشی از گفت و گوی حامد میر ژورنالیست پاکستانی با فرح حسین برنامه ساز تلویزیونی پاکستان پیرامون ملاقات با ملا عمر و بن لادن



همین طور فکر می کنم. ملا عمر گفت: «چه فکر می کنی اگر زمینه ملاقات شما را با دشمن امریکا مهیا سازم». گفتم: او کیست. گفت: «اسامه بن لادن». پاسخ دادم: موافق هستم. ملا عمر گفت: «اگر زمینه ملاقات تان را مهیا سازم، آیا خواهید نوشت که من گماشته امریکا نبوده ام؟» جواب دادم که درست است و قرارداد ما این گونه صورت گرفت.

من به پاکستان برگشتم و گروهی نزد من آمده گفتند که زمینه ملاقات مرا با اسامه بن لادن مهیا کرده اند. من در سال ۱۹۹۷ روانه توره بوره شده و نخستین مصاحبه را در توره بوره با بن لادن انجام دادم. در سال ۱۹۹۷ میلادی زمانی که مصاحبه ما در جریان به نشر رسید، مردم می پرسیدند که «این محترم (بن لادن) کیست؟» در آن زمان کسی او را نمی شناخت. یاد می آید که او شخص بسیار ساده بی بود. هنگام مصاحبه، لباس و شال و کتاب های پشت سر او را تنظیم کردم. گفتم برخیز، برخاست. گفتم بنشین، او نشست.

من با مظهر علی خان بودم که وظیفه عکاسی را به دوش داشت. عکس هایی که از او امروز در دنیا منتشر است، توسط مظهر علی خان در همان روز گرفته شده بود. او در زنده گی خویش آدمی ساده بود و تصویری که در رسانه های گروهی از او به نمایش گذاشته شده است، با حقیقت او متفاوت است.

بن لادن نخست با ژورنالیست انگلیسی رابرت فیسک در سال ۱۹۹۶ در سودان مصاحبه نموده بود و من پس از او با ایشان گفت و گو کردم.

او را ببینم؛ اگر زمین بترکد و آسمان پایین آید و من بالا روم، نمیخواهم او را ببینم! ما نصرت جاوید را شاه جی می گوئیم، شاه جی فریاد زد و به نصیرالله بابر گفت: تو می دانی و طالبانت، من حاضر به ملاقات او نیستم.

من گفتم: درست است من یک ژورنالیست هستم و می خواهم از نظریات او آگاهی یابم. رحمان ملک ملاقات من و ملا عمر را ترتیب داد. از طریق آن ها به کوئته رفتم و از آنجا روانه قندهار شدم. طالبان حرکتی افغانی بودند که در پشت آن ها نصیرالله بابر قرار داشت، سپس آس آی آن ها را در آغوش گرفت و مطابق به میل خویش استخدام نمود. وقتی با ملا عمر روبه رو شدم، او پرسید که آیا علیه او مقاله نوشته ام، مقاله بی که رادیو تهران آن را علیه ایشان (ملا عمر) استفاده نموده بود. من جواب دادم که در امریکا بودم و دیدم که رابین رافایل از شما پشتیبانی می کند. اگر شما (ملا عمر) جای من می بودید، چه تصور می کردید. من شما (ملا عمر) را گماشته امریکا فکر می کنم.

ملا عمر پرسید «این رابین رافایل کیست؟» گفتم معاون وزیر خارجه امریکاست. پرسید که او زن است و یا مرد. گفتم: نه، او زن است. ملا عمر به پیشانی خود چند بار کوبید و گفت: «آیا یک زن از ما پشتیبانی می کند؟» گفتم: بلی، یک زن شما را پشتیبانی می کند. دانستم که او چه قدر آدم ساده بی ست که حتا رابین رافایل را نمی شناسد. من به عنوان یک ژورنالیست به فکر افتادم که چه برنامه بی در حال طرح ریزی است!

ملا عمر گفت: «آیا تو مرا جاسوس امریکا فکر می کنی؟» گفتم: با عرض معذرت من

فرح حسین: ما شنیده ایم که ترتیبات مصاحبه شما را با اسامه بن لادن، بی نظیر بوتو و نصیرالله بابر گرفته بودند؟

حامد میر: ترتیبات مصاحبه را به صورت غیرمستقیم بی نظیر بوتو گرفته بود. من در سال ۱۹۹۶ میلادی با بی نظیر بوتو به امریکا رفته بودم و در آنجا او در سازمان ملل با رابین رافایل ملاقات نمود. من دیدم که رابین رافایل او را قناعت می داد که با طالبان همکاری کند؛ چون مردم خوبی استند. من هم عضو هیأت بودم و در همان وقت و از همان جا مقاله بی نوشتم که در پاکستان چاپ شد. در آن مقاله گفته بودم که طالبان مانع رفتن دختران به مکتباند و بی نظیر بوتو از آن ها پشتیبانی می کند و رابین رافایل هم در پشت این پروژه قرار دارد. این برای ما قابل فهم نبود که چه طور می شود زنی لیبرال از طالبان حمایت کند.

من هنوز با ایشان در امریکا بودم که مقاله ام در پاکستان به نشر رسید. اداره معلومات، آن مقاله را به بی نظیر بوتو فرستاد و بی نظیر بوتو آن را مطالعه نمود. خانم بوتو مرا خواست و پرسید که «این چه است که نوشته ای؟» جواب دادم: هر آنچه را که دیده ام، نوشتم. بی نظیر گفت: «وقتی به پاکستان برگشتم، با شما حرف خواهم زد!»

به پاکستان که برگشتم، بی نظیر بوتو به نصیرالله بابر که وزیر داخله ایشان بود و رحمان ملک وظیفه داد تا با من و نصرت جاوید صحبت کنند. آن دو تن برای من و نصرت جاوید معلوماتی مختصر در رابطه با طالبان ارایه نمودند مبنی بر این که طالبان چه اندازه انسان های خوبی بوده اند. آن ها گفتند شما نباید از آن ها انتقاد کنید. بابر گفت شما باید یک بار ملا عمر را ملاقات کنید. ولی نصرت جاوید پاسخ داد: من حاضر نیستم

سخن ماندگار

پایان مأموریت رزمی ناتو چه معنا دارد؟

پایان مأموریت رزمی ناتو در حالی صورت گرفت که یک بار دیگر اذهان متوجه دستاورد سیزده ساله مبارزه ایالات متحده و ناتو با تروریسم شده است.

شاید فهرست تفاوت های افغانستان سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، به سادگی دستاوردهای ظاهری این مبارزه را به نمایش بگذارد و هر صاحب خردی را به آسانی قانع سازد که افغانستان تحت تسلط طالبان تا افغانستان امروز، زمین و آسمان تفاوت دارد که این خود به نحوی می تواند حاصل سیزده سال مبارزه ناتو با ایالات متحده شمرده شود. اما حقیقت این است که همه چیز ظاهر امر نیست. اگر از ناتوانی و نداشتن تجهیزات کافی نیروهای امنیتی افغانستان بگذریم، اگر بر تقویت دوباره طالبان و گسترش فعالیت های آنان نیز چشم ببوشیم؛ دست کم چند مسأله دیگر را باید به حیث مهم ترین خلاءهای کار ایالات متحده و ناتو در افغانستان مد نظر بگیریم که اکنون با پایان یافتن مأموریت رزمی آنان، به عنوان میراث مشترک هر دو برای ما به جا مانده است.

مسأله نخست، تغییر رویکرد ایالات متحده و ناتو در امر مبارزه با طالبان است. این تغییر را می توان تغییر در سطح بین المللی مسأله خواند که ایالات متحده چند روز قبل آن را با بیرون کردن نام ملا عمر از فهرست سیاه سازمان ملل رسمی ساخت.

ایالات متحده تذکر داد که پس از سال ۲۰۱۵ گروه طالبان هدف آن کشور نیست؛ چون رسماً و مستقیماً منافع ایالات متحده را تهدید نمی کند. ایالات متحده این موضوع را در حالی اعلام می کند که میان طالبان سال ۲۰۰۱ تا طالبان سال ۲۰۱۵ هیچ تفاوتی به میان نیامده. خشونت پیشه گی، زن ستیزی، نقض حقوق بشر، نقض حقوق زن و تمامی دستاویزهایی را که ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ علم کرده بود، هنوز هم در دستور کار طالبان قرار دارد. اما این فقط ایالات متحده است که بنا بر دلایل سیاسی و منفعت طلبانه بر این مسایل چشم می پوشد و این نکته یعنی عدم صداقت و فریب تمامی شهروندان جهان.

مسأله دوم عدم، موجودیت یک استراتژی مبارزاتی در دولت افغانستان است. سیاست داخلی افغانستان از شش سال به این سو در امر مبارزه با طالبان تغییر کرده است. این تغییر نیز نتیجه تغییر سیاست ایالات متحده در برابر طالبان بود که در همان ایام رونما گشت. این موضوع از سوی رییس جمهور وقت بنا بر ملاحظاتی مورد قبول واقع شد که آشکارا طالبان را برادران ناراضی خواند. اکنون همان سیاست به صورت نرم تری از سوی مقامات حکومت وحدت ملی اعمال می شود که نتیجه اش جز رسمیت بخشی به طالبان چیز دیگری نبوده است.

تداوم این سیاست اکنون و در شرایطی که مأموریت رزمی ناتو پایان یافته است، چیزی جز میراث بد ایالات متحده و هم پیمانان و سیاست مردان ضعیف افغانستان نمی تواند باشد!

حالا می توان این وضع را چنین توصیف کرد که اراده قاطع مبارزه با تروریسم و طالبان در سطح ملی و بین المللی از میان رفته است و اکنون هیچ نوع عزمی مبنی بر پایان خشونت ها وجود ندارد. این در حالی است که ایالات متحده، ناتو و دولت افغانستان بر امر صلح با طالبان تأکید دارند، ولی همواره کوشش های صلح خواهانه آن ها بی نتیجه مانده است.

بنابراین، پایان مأموریت رزمی ناتو را به یک معنای دیگر هم می توان تلقی کرد. این که مأموریت رزمی ناتو و ایالات متحده، مشکلات جدی و بنیادین افغانستان را حل نکرده، بل به صورتی دیگر آن را تقویت کرده است.

لاوروف:

روسیه قصد

رویاری با غرب را ندارد



وزیر امور خارجه روسیه پیش‌بینی کرد که فرصت واقعی حل بحران اوکراین در سال ۲۰۱۵ میلادی وجود دارد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه به خبرگزاری رویترز گفت: باید بدانید که این بحران وجود خواهد داشت مگر اینکه اوکراینی‌ها بدون دخالت بلاروس یا واشنگتن این مساله را در بین خودشان حل و فصل کنند. وی افزود: مسکو آماده است تا با تمام کشورهای جهان براساس احترام متقابل و حفظ منافع همکاری کند. لاوروف تاکید کرد: روسیه قصد رویاری با غرب را ندارد.

سیسی:

ماموریت من التیام بخشیدن به زخم‌های مصر است



رییس جمهوری مصر ضمن دعوت به اتحاد و حفظ وحدت هر گونه تغییر در کابینه تا پیش از انجام انتخابات پارلمانی را بعید دانست. عبد الفتاح سیسی، رییس جمهوری مصر در مصاحبه با شماری از روزنامه‌های این کشور از جمله روزنامه الاهرام و الاخبار، مردم مصر را به اتحاد و همبستگی فراخواند. وی همچنین خواهان عدم انتقاد از مخالفان شد. سیسی در این مصاحبه که بخش اول آن روز دوشنبه منتشر شد، اعلام کرد: من از همان لحظات اول تحویل قدرت به خودم گفتم این وظیفه جز با حمایت مردم مصر و وحدت آن‌ها ممکن نیست. ماموریت من در حال حاضر التیام بخشیدن به زخم‌های مصر است.

رییس جمهوری مصر در ادامه از تمامی گروه‌های سیاسی و رسانه‌ها خواست تا به مسوولیت‌های خود در ایجاد وحدت میان مردم عمل کرده و از مخالفان انتقاد نکنند. در خصوص ارزیابی‌اش از دوران قدرتش از ماه جون اعلام کرد که در این دوره از فشار فراوانی از داخل و خارج مصر رنج برده است. سیسی علاوه بر این هرگونه تغییر در کابینه تا پیش از برگزاری انتخابات آتی را بعید دانسته و اعلام کرد هر چیزی که به صلاح کشور باشد همان خواهد شد. رییس جمهوری مصر در پایان اعلام کرد: ما در ماه ژانویه آتی تغییرات گسترده‌ای در استان‌ها ایجاد خواهیم کرد. تغییرات در استان‌ها اولین تغییرات در دوره ریاست جمهوری سیسی از ماه جون گذشته است آخرین تغییرات در این خصوص در دوره عدلی منصور، رییس جمهور موقت مصر صورت گرفت که شامل ۲۵ ولایت بود.

اوباما:

باز کردن سفارت در ایران بستگی به حل مساله اتمی دارد



رییس جمهوری امریکا در مصاحبه با رادیوی ملی امریکا (ان پی آر) گفت: اگر تهران با توافق طولانی مدت مهار برنامه اتمی‌اش موافقت کند، ایران می‌تواند به یکی از قدرت‌های بسیار موفق منطقه تبدیل شود.

به گزارش خبرگزاری رویترز، باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا در این مصاحبه که به مناسبت پایان سال ۲۰۱۴ و در کاخ سفید ضبط شد، گفت: ایران فرصت اینکه بتواند با جهان همسو شود را دارد.

اوباما در این سخنانش گفت: ایران باید فرصت این توافق را که می‌تواند تحریم‌ها را لغو کند به چنگ آورد چرا که اگر بتواند این فرصت را به دست بیاورد استعداد فوق‌العاده و منابع و موفقیت چشمگیری در داخل ایران به وجود می‌آید و این مساله می‌تواند ایران را به یکی از قدرت‌های بسیار موفق منطقه‌ای تبدیل کند که از قوانین و هنجارهای بین‌المللی نیز تبعیت می‌کند و این مساله برای همگان سودمند خواهد بود.

اوباما گفت: کاملاً درک می‌کنم که ایران پس از جنگ با عراق در دهه ۱۹۸۰ میلادی نگرانی‌های دفاعی قانونی داشته باشد. اما انتقاد ما از تهران به خاطر حمایت از سازمان‌هایی همچون حزب‌الله است که اسرائیل را مستقیماً تهدید می‌کنند. اوباما در پاسخ به این سوال که آیا می‌تواند از دو سال پایانی ریاست جمهوری‌اش برای کمک به بازسازی کشورهای جنگ زده استفاده کند یا خیر، گفت: این مساله بستگی به کشورهایی همچون لیبی، سوریه و عراق دارد.

وی افزود: ما می‌توانیم به آن‌ها کمک کنیم اما نمی‌توانیم به جای آن‌ها وارد عمل شویم. فکر می‌کنم که مردم امریکا این مساله را درک می‌کنند. زمان‌هایی در واشنگتن وجود دارد که صاحب نظران فکر نمی‌کنند شما بتوانید به راحتی مهره‌های شطرنج را تکان دهید و هر موقع ما شاهد چنین تکبری باشیم آن را از بین می‌بریم.

اوباما همچنین مساله تخصیص چند تریلیون دلار برای اعزام نیروهای ضربت امریکایی برای مبارزه با شبه نظامیان داعش در عراق را رد کرده و گفت: ما یک تریلیون دلار برای بازسازی مدارس، جاده‌ها، موسسات علمی و تحقیقاتی در داخل امریکا نیاز داریم.

اوباما گفت: امیدوارم بتوانم با کنگره درباره اهداف به اشتراک گذاشته اقتصادی همکاری کنم. اما گمان می‌کنم جمهوری خواهان لایحه‌هایی را تصویب کنند که من با آن‌ها مخالف خواهم بود به ویژه در بخش بیمه خدمات درمانی و محیط زیست. وی افزود: از زمانی که زمام امور کشور را به دست گرفتم به ندرت از حق وتوی خود استفاده کردم اما در حال حاضر گمان می‌کنم که باید از این قدرت خود استفاده کنم.

اوباما در پاسخ به این سوال که آیا انتخابات میان دوره‌ای باعث شده که دست وی در برخی مسائل همچون مهاجرت و مساله کوبا باز شود، گفت: فکر نمی‌کنم که این انتخابات دست مرا باز گذاشته باشد. در نظر داشته باشید که تمامی این مسائل چیزهایی هستند که ما مدتی است بر روی آن‌ها کار می‌کنیم.

وی افزود: حدود یک سال طول کشید تا ما به سیاست کوبا از جمله تمدید مذاکرات با دولت این کشور و دیدار با واتیکان و همچنین اطمینان یافتن نسبت به پیامدهای این سیاست دست یابیم و من همچنین متقاعد شدم که این مساله برای مردم کوبا مفید خواهد بود و باعث می‌شود تا محدودیت‌ها و تحریم‌های موجود کمتر شود. اما در رابطه با اصلاحات مهاجرتی باید بگویم که به مدت شش سال بر روی آن‌ها کار کردم. من تلاش کردم تا هر چیزی را که فکر می‌کنم درست است انجام دهم. من شش سال را در این دفتر سپری کردم،

ما با وخیم‌ترین بحران‌های مالی و اقتصادی دست و پنجه نرم کردیم. ما با آشوب‌های بین‌المللی که به ندرت شاهد آن بودیم نیز دست و پنجه نرم کردیم و من در آغاز سال جاری میلادی گفتم که سال ۲۰۱۴ سال موفقیت و پیروزی خواهد بود و البته این سال فراز و نشیب‌های زیادی داشت. اما در پایان سال ۲۰۱۴ میلادی می‌توانم به گذشته باز گردم و بگویم که موقعیت ما امروز بسیار خوب است.

رییس جمهوری امریکا بیان داشت: اما در رابطه با مسائل بین‌المللی همانطور که می‌دانید هم زمان که ما قصد داریم به مساله داعش رسیدگی کرده و آن‌ها را به عقب برانیم و شکست دهیم و در زمانی که ما مسئولیت امنیتی را به نیروهای افغانستان واگذار می‌کنیم انجام اقدامی همچون ابتکار عمل دیپلماتیک کوبا مساله‌ای است که می‌خواهم مطمئن شوم که آن را به شخصه ادامه می‌دهم چرا که انجام این کار برای رییس جمهوری که در پایان دوره ریاستش است بسیار آسان‌تر از رییس جمهوری است که به تازگی به روی کار می‌آید. البته من قادر بودم که این مساله کوبا و همچنین مساله اصلاحات قوانین مهاجرتی را بدون نظر کنگره انجام دهم. من همیشه می‌توانم از لحاظ مختلف کارم را بهتر انجام دهم و روابط کنگره‌ای نیز از آن مستثنی نیست. به نظر من شرایط تغییر کرده است. مشخصاً من از نتایج انتخابات میان دوره‌ای ناراحت و سرخورده شدم. فکر می‌کنم ما سابقه بهتری از نظر اعضای کنگره داشتیم و به شخصه فکر نمی‌کنم که خودم و حزب دموکرات آنطور که باید خوب عمل کرده باشیم و همانطور که می‌بینید نتیجه آن این بود که میزان شرکت کنندگان بسیار کم و نتیجه آن بسیار بد بود.

اوباما در پاسخ به اینکه امریکا از زمانی که وی زمام امور کشور را به دست گرفته از نظر نژادی دچار تفرقه و دودستگی بیشتر شده یا خیر، گفت: من اینگونه فکر نمی‌کنم در واقع معتقدم که فاصله بین تفرقه نژادی در امریکا روز به روز کمتر شده اما معتقدم که این مساله بیشتر مطرح شده است. منظور من این است که مساله عدم اعتماد میان پولیس و جوامع رنگین پوست‌ها اصلاً جدید نیست. این مساله به زمان‌های بسیار دور باز می‌گردد و این مساله‌ای است که مدت‌های طولانی به خاطر دلایل مختلف درباره آن صحبت نشده است. در حال حاضر که همه تلفن همراه دارند می‌توانند چنین مسائلی را ضبط کرده و توجه بسیاری را جلب کنند که البته از نظر من این بسیار خوب است، فکر می‌کنم این مساله به توانایی ما برای حل چنین مشکلاتی اشاره دارد. این مساله قابل درک است که

نظرسنجی‌ها حاکی از آن هستند که روابط نژادی به خاطر اخباری که شما در رابطه با فرگوسن یا پرونده گارنر در نیویورک شنیده و دیده‌اید بدتر شده و این نظرسنجی‌ها توجه بسیاری را جلب کردند. اما به شما اطمینان می‌دهم که این مساله نسبت به ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ سال پیش بدتر نشده است. اوباما در پاسخ به این سوال که آیا بهبود روابط با کوبا و بازگشایی سفارتی در این کشور می‌تواند بدان معنا باشد که وی ممکن است در دو سال پایانی ریاست جمهوری‌اش سفارت امریکا را در تهران نیز باز کند یا خیر، گفت: من هرگز نگفتم که این مساله هیچ گاه امکان پذیر نیست اما ما باید گام به گام پیش برویم. همانطور که می‌دانید کوبا شرایطی داشت که طی ۵۰ سال ما اقدامات مشابهی را بارها و بارها در آن انجام داده‌ایم اما هیچ تغییری رخ نداد و سوال این است که آیا ما باید در رابطه با این کشور کوچک که هیچ تهدید خاصی برای ما یا متحدانمان محسوب نمی‌شود اقدام مشابهی انجام دهیم یا خیر اما ایران یک کشور بزرگ و پیچیده است که تهدیداتش نه تنها ضد امریکا است بلکه اسرائیل را نیز هدف قرار داده است. در نتیجه در رابطه با ایران تاریخی وجود دارد که کاملاً با تاریخ میان امریکا و کوبا متفاوت است، اهمیت استراتژیک تهران یا ایران نسبت به اهمیت استراتژیکی کوبا متفاوت است اما اگر بتوانیم به توافقی با ایران دست یابیم و مطمئن شویم که این کشور تسلیحات اتمی ندارد و علاقه‌ای به ساخت و توسعه این تسلیحات همانطور که خودش گفته ندارد، با گذر زمان مسائل تغییر کرده و تحریم‌ها لغو می‌شود، اقتصاد ایران شروع به رشد می‌کند و این کشور مجدداً به جامعه بین‌المللی باز می‌گردد و آن موقع امیدوارم که بتوانیم پایگاهی در آنجا داشته باشیم که برای بهبود روابط بین این دو کشور خدمت کند. اما فکر می‌کنم باز کردن سفارت در ایران بستگی به حل مساله اتمی دارد و بستگی به این مساله دارد که ایران از این فرصت استفاده کند. فکر می‌کنم عناصری در داخل ایران وجود دارند که این فرصت را درک کرده و می‌خواهند آن را به دست آورند.

رییس جمهوری امریکا در پاسخ به این سوال که در سپتامبر ۲۰۱۴ از «میراث آزادی امریکا» در سخنرانی خود استفاده کرده و به دنبال افزایش و گسترش آن است، گفت: من به دنبال افزایش و بسط ایده دموکراسی در سراسر جهان به ویژه در خاورمیانه هستم. من همچنین مخالف تهاجم به عراق برای دموکراتیک کردن عراق هستم.

بخش چهارم و پایانی



تمرین برای تهرکز

مترجم: نادیا زکالوند

۱۲- مطالعه

یک تمرین عالی برای افزایش توانایی تمرکز، مطالعه است. فرد هنگام خواندن مطلبی مجبور است تمام افکارش را روی موضوع مورد مطالعه متمرکز کند تا متوجه مطلب شود. بنابراین تا آنجا که می‌توانید مطالعه کنید. داستان‌های کوتاه نمونه‌های خوبی برای این تمرین است. پس از خواندن هر داستان خلاصه‌یی از آن را بنویسید. خواندن مقالات روزنامه و مجلات هم گزینه‌های خوبی است. اگر پس از مطالعه نتوانستید خلاصه‌یی از آن را بنویسید، یعنی این‌که هنگام خواندن تمرکز کافی نداشته‌اید.

۱۳- تماشای تمرکز

روی یک چوکی نشسته و ساعتی را روی میز روبه‌روی‌تان قرار دهید. سپس با چشمان‌تان عقربه ثانیه‌شمار آن را دنبال کنید. این کار را پنج دقیقه انجام دهید. باید مراقب باشید چشم‌تان به غیر از ثانیه‌شمار جای دیگری را نبیند. اگر بتوانید این کار را روزانه انجام دهید و در این زمان اجازه ورود هیچ فکر دیگری به ذهن‌تان را ندهید، می‌توانید قدرت تمرکزتان را افزایش دهید. در واقع با کنترل سیستم عصبی‌تان به چنین نیرویی دست می‌یابید. هنگام انجام این تمرین باید روی چوکی ثابت و بدون حرکت بمانید.

۱۴- روش عنکبوتی

وقتی تارهای بافته‌شده عنکبوت را با وسیله‌یی به نرمی تکان دهید، عنکبوت به تصور این که حشره‌یی به دامش افتاده است، به بررسی آن می‌آید. اما اگر این کار را چند بار انجام دهید، عنکبوت دیگر به آن توجه نمی‌کند. شما نیز می‌توانید از روش عنکبوت بهره‌بردار شوید و مانند آن رفتار کنید. مثلاً هر بار مشغول انجام کاری هستید، هر چیزی که احتمال دارد حواس‌تان را پرت کند نادیده بگیرید. چیزهایی مانند صدای پرندگان و سروصدای موترها. وقتی روی کارتان متمرکز شدید، موارد دیگر را نادیده بگیرید. این کار ابتدا سخت است، اما به مرور زمان می‌توانید به راحتی از پس آن برآید.



۱۵- ایمان به خود

خیلی مهم است که به توانایی‌های خود در تمرکز داشتن ایمان داشته باشید. اگر ۱۴ تمرین قبل را به خوبی انجام داده باشید، اکنون می‌توانید تا اندازه قابل توجهی قدرت تمرکز داشته باشید و چنانچه خود را باور داشته باشید و توانایی‌های‌تان را دست کم نگیرید، بدون شک می‌توانید قدرت‌تان را بالاتر نیز ببرید. هر زمان که نیاز به تمرکز و انجام کاری داشته باشید، با خودباوری می‌توانید راحت به مقصود برسید.

بخش نخست

فریدمن، لیکاس و افسانه

کارآمدی بازار آزاد



احمد سیف

در میان مدافعان اقتصاد بازار آزاد، میلتون فریدمن استاد فقید دانشگاه شیکاگو جایگاه ویژه‌یی دارد. برخلاف دیگر اقتصاددانان جریان اصلی، فریدمن به استفاده گسترده از ریاضی در بیان دیدگاه‌های خویش اعتقاد نداشت. تا جایی که خبر دارم، او حتا به بگومگوهایی که درباره «تعادل عمومی» می‌شد هم بی‌باور بود، از جمله به این دلیل که معتقد بود کارآمدی بازار آزاد چنان عیان است که دیگر نیازی به این الگوهای ریاضی در اثبات آن نیست. هرچه که بحث و جدل بر سر استفاده از معادلات ریاضی در اقتصاد باشد ولی به احتمال زیاد این ادعا واقعیت دارد که از زمان آدام اسمیت به این سو هیچ اقتصاددانی به اندازه میلتون فریدمن در پیشبرد ادعای کارآمدی بازار آزاد موفقیت نداشته است. برای مدتی نسبتاً طولانی یک صفحه ویژه در نیویوریک می‌نوشت و بعد دو کتاب بسیار پرطرفدارش «سرمایه‌داری و آزادی» (۱۹۶۲) و «آزاد برای انتخاب» (۱۹۸۰) که با همسرش منتشر کرد، تأثیرات شگرفی در سیاست‌پردازی اقتصادی داشتند. عمده‌ترین دستاورد فریدمن در دفاع از کارآمدی بازار آزاد در پنج حوزه بود:

- کاستن از هزینه‌های دولتی، کاهش مالیات‌ها و نظارت‌زدایی
- ارائه یک تحلیل تجدیدنظرطلبانه از بحران بزرگ ۱۹۲۹- یعنی آن بحران نتیجه عدم توفیق دولت بود، نه نتیجه عدم توفیق بازارها
- نقد مدیریت تقاضا به روایت کینز - پول‌باوری
- پیوسته‌گی بازار آزاد و آزادی سیاسی.

درس داد تا سرانجام در ۱۹۴۶ به استخدام دانشگاه شیکاگو درآمد. اولین مقاله مهمی که فریدمن منتشر کرد، جزوه مشترکی بود با استیگلر که در ۱۹۴۶ منتشر شد و در آن گفته شد که علت اصلی کم‌یابی آپارتمان مناسب برای اجاره در نیویورک، سیاست کنترل اجاره است که دولت اعمال می‌کند. در ۱۹۴۷ به اتفاق استیگلر به سوییس رفت تا درگردهمایی مون‌پلهرین شرکت کند. هاید هم در این کنفرانس شرکت داشت. در سال‌های دهه ۱۹۵۰ به دعوت بنیاد ویلیام واکر برای مربیان و استادان جوان یک سلسله سخنرانی ایراد کرد که این سخنرانی‌ها بعد چارچوب کتاب «سرمایه‌داری و آزادی» را تشکیل داد. برخلاف تأثیری که این کتاب بعدها داشت، در زمان نشر تنها یک نشریه دانشگاهی درباره کتاب مطلبی نوشت. به یک تعبیر «سرمایه‌داری و آزادی» بدیل امریکایی «راه برده‌گی» هاید بود. حرف اساسی فریدمن در این کتاب این است که برای سامان‌دادن به فعالیت‌های اقتصادی میلیون‌ها انسان، دو راه بیش‌تر وجود ندارد. یک راه با اعمال زور از یک مرکز - تکنیک نظامیان و دولت‌های تمام‌خواه و دوم هم براساس همکاری داوطلبانه افراد، یعنی با تکنیک بازار آزاد. فریدمن، با نقل عباراتی از اسمیت، نقش دولت را در دفاع ملی و اجرای قانون پذیرفت ولی برخلاف اسمیت از مداخله دولت در پروژه‌های عمومی مثل راه‌سازی و آموزش انتقاد کرد و ادامه داد، بازار آزاد می‌تواند همه این خدمات را تولید کند. عرصه‌های دیگری که مورد انتقاد فریدمن قرار گرفتند از جمله، وضع تعرفه بر واردات، تعیین حداقل مزد، برنامه‌های رفاه اجتماعی و کنترل بر مالکیت سازمان‌های رادیو و تلویزیون و نظارت بر نظام بانکی است. فریدمن حتا با نظارت و کنترل کیفیت داروها هم مخالفت کرد. مالیات تصاعدی باید با نرخ مالیات ثابت جایگزین شود و نیازی به احداث پارک‌های عمومی و دولتی نیست؛

چون به گفته فریدمن اگر مردم به راحتی متقاضی استفاده از این پارک‌ها باشند، فعالان بازار خصوصی می‌توانند به این نیازها پاسخ بدهند. به اعتقاد فریدمن، آزادی اقتصادی به‌خودی‌خود جذابیت دارد، ولی در عین حال آزادی اقتصادی ابزار ناگزیر برای رسیدن به آزادی سیاسی است. اگرچه برخلاف هاید و شماری دیگر دولت امریکا را یک نظام تمام‌خواه و اقتدارگر نمی‌دانست، ولی معتقد بود که گسترش فعالیت‌های اقتصادی دولت، خطر جدی‌یی است که تمدن امریکایی را تهدید می‌کند. در دانشگاه شیکاگو فریدمن به «آقای اقتصاد کلان» معروف بود و عمده پژوهش‌هایش هم در اقتصاد کلان بود. اما نکته مهم برای متفکرانی چون فریدمن، این بود که بتوانند با این ایده اساسی کینز که اقتصاد بازار آزاد به‌گوهر بی‌ثبات است، مقابله کنند. در سال‌های پس از جنگ دوم، اکثریت اقتصاددانان معتقد بودند که بحران بزرگ ۱۹۲۹ به‌واقع نشانه شکست اقتصاد بازار آزاد بود و به همین دلیل هم اقتصاد کینز مقبولیت همه‌گانی یافت. در ۱۹۶۳ در کتابی که فریدمن با همکاری آنا شوارتز منتشر کرد، «تاریخچه پولی ایالات متحده امریکا» کوشید تا بررسی متفاوتی از بحران بزرگ ارائه نماید. برخلاف دیدگاه غالب در آن زمان، فریدمن و شوارتز با استفاده از آمارهای متعددی ادعا کردند که علت اصلی بحران بزرگ این بود که میزان پول در جریان که در کنترل فدرال رزرو بود، به شدت کاهش یافته بود. به عنوان مثال، در فاصله ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ میزان پول در جریان حدوداً یک‌سوم کاهش یافت و به گفته نویسنده‌گان این کتاب اگر فدرال رزرو به اندازه کافی پول به اقتصاد تزریق کرده بود، احتمال داشت که آن فاجعه اقتصادی اتفاق نیفتد و در نتیجه بحران بزرگ به ادعای این کتاب به علت «سوءمدیریت دولت» و نه «بی‌ثباتی اقتصاد بازار آزاد» اتفاق افتاد.

ابوالمعانی بیدل «فلسوف زمان»

عبدالبشیر فکرت بخشی

بخش نخست
مقدمه

حضرت ابوالمعانی بیدل، روحی است سرگردان و به دنبال «هوس نشئه آواره‌گی». بیدل ناقراری انسانی‌اش را لازمه وجودی‌اش می‌خواند و رد پای این ناآرامیدن‌ها را تا ارتعاش احتمالی دست معمار بی می‌گیرد. بیدل اعماق پدیده‌ها را می‌شکافت تا به ارتفاعات هستی گام بردارد و با غوطه‌ور شدن در ضمیر ناخودآگاه اشیا، به سطوح خودآگاهی ره یابد. بیدل با ناخودآگاه اشیا، پیوندی با ناخودآگاه دارد و هر از گاهی، این پیوند بی‌پرده می‌گردد و خورشیدهای بسیاری از «ذره شکافی» برون می‌ریزد. اشیا در نگاه بیدل از خویشتن خویش خلع می‌شوند و بی‌آن‌که وجودشان را از دست دهند، از نوعی احساس عینیت و یگانگی با پدیده‌ها نمایش می‌یابند و صحنه‌های زبانی شکل می‌گیرند. در این لحظات است که می‌توان با بیدل عمیق‌تر نفس کشید و نسبت خود را با اشیا مجسم‌تر یافت.

حضرت بیدل با همان نگاه وحدت‌بین و ظل‌انگازانه خویش، کلیه هستی را برآیند مینوی همان حقیقت متعالی و سرمدی می‌داند که لازمه وجود مطلق است وی با توجه به آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ [بلد: ۴]» ترجمه: به تحقیق ما انسان را در رنج آفریدیم؛ بی هیچ تردیدی، تشویش و پریشان حالی‌اش را جزو بنای اولیه خودش دانسته و آن را عین زیستنش تلقی می‌کند.

همچو عکس آب تشویش از بنای ما نرفت
مرتمش بوده است گویی پنجه معمار ما

واژگان سخن بیدل همان لخت‌های جگری است که «نذر پرافشانی آه» کرده است و حرف زدنش همان به رقص آمدن پاره‌های وجود اوست. بیدل عارفی است بزرگ و اندیشمندی‌ست گران‌مایه؛ وی را در مقایسه

با سایر فلاسفه می‌توان بهتر شناخت و بر تمایزات اندیشه‌های او در نسبت با دیگران، وقوف بیشتری پیدا کرد.

نویسنده این سطور که از دیرزمانی غواص معانی بلند بیدل بوده‌ام، تاویل معانی ژرف و شگرف بیدل را کاری سخت دشوار و حتا دست‌نیافتنی می‌پنداشتم و بدین ملحوظ کمتر به نوشتن پیرامون بیدل دست می‌زدم؛ اما اینکه به‌تازگی و در نتیجه تشویق‌هایی که نجم‌العرفاء جناب حیدری وجودی نسبت به من داشتند؛ جرأت کردم تا با نوشتن مقاله‌ی پیرامون «ابوالمعانی بیدل، فیلسوف زمان» در گوشه این اقیانوس آرام غوطه‌ور گردم و لحظاتی را با لحظه‌های بیدل نفس بکشم.

زمان

زمان یکی از ریشه‌دارترین مباحث فلسفی - اعتقادی در میان بشر بوده است کما این‌که تبیین‌های مختلفی را در پی داشته است. برخی‌ها زمان را جوهری مجرد خوانده‌اند درحالی‌که عده دیگری می‌گویند: زمان مقدار وجود است، کسانی هم زمان را امر خیالی و موهوم پنداشته و تعدادی هم زمان را همان خداوند دانسته‌اند. اما این‌که زمان «کم متصل غیرقار» است، در میان فلاسفه اسلامی شهرت بیشتری دارد. [۱: ۳۸۴]

برهان کرده‌اند: مقدمه نخست: حوادث و پدیده‌هایی که حرکت در آن‌ها روی می‌دهد، قابل انقسام هستند.

بیدل هوس نشئه آواره‌گی داشت
چون اشک کنونی بی سروپا شد چه بجا شد
در فکر خودم معنی او چهره گشاید

ویژه‌گی‌های ذاتی کمیت است اما انقسام سایر اجسام، به واسطه کمیتی است که بر آن‌ها عارض می‌گردد. زمان کمیتی غیرقار است، ثابت‌مندی، سیال بودن و گذرنده‌گی را می‌توان از ویژه‌گی‌های زمان برشمرد این‌که زمان شبیه «جریان رودخانه» درگذر است و هیچ نوع توقف و ایستاری را بر نمی‌تابد. زمان با این توضیح، نسبتی تام با حرکت یا به تعبیری «شدن» می‌یابد و لباس عینی‌تری به تن می‌کند.

کلمه زمان که دقیقاً ترجمه واژه «دهر» عربی است، در جای‌جای قرآن کریم نیز بکار گرفته شده و به روایت قرآن کریم، برخی‌ها آن را فناکننده خودشان می‌پنداشتند و با این دید، زمان تا سرحد اعتقاد آدمی عروج می‌یابد کما این‌که آمده است: (وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ...) [جاثیه: ۲۴] ترجمه: و گفتند: نیست این مگر زنده‌گی دنیوی ما که (در آن) می‌میریم و حیات می‌یابیم و ما را جز زمان هلاک نمی‌کند. زمان در این نگاه، همان خدای فناکننده انسان است و انسان، زمان را به مسند خدایی نشانده است.

اتصال و پیوسته‌گی زمان را می‌توان در استمرار و حضور جاری آن ردیابی کرد این‌که قابلیت انقسام زمان، الی‌النهایی ادامه می‌یابد و در هیچ نقطه‌ی توقف نمی‌یابد. این کمیت متصل غیرقار همان زمان است که بر حرکت عارض می‌شود.

الکندی نیز زمان را مؤلف از اجزا دانسته و تصور آن را بدون در نظر داشت حرکت، محال می‌داند کما این‌که زمان را مدت حرکت جسم توصیف می‌کند و آن را متشکل از «آنات» دانسته و هر «آن» را نهایت زمان



قبلی و آغاز زمان بعدی می‌خواند. [۹: ۱۳۹] در دایرةالمعارف آزاد در مورد زمان آمده است: دو دیدگاه گوناگون در تعریف زمان وجود دارد. دیدگاه نخست بیان می‌کند که زمان قسمتی از ساختار اساسی جهان است، بُعدی است که اتفاقات پشت سر هم رخ می‌دهند. همچنین این دیدگاه بیان می‌کند که زمان قابل اندازه‌گیری است. این نوع دیدگاه واقع‌گرایانه است که آیزاک نیوتن بیان می‌کند و از این‌رو گاهی با نام نیوتونی شناخته می‌شود.

در مقابل، دیدگاه دیگری چنین بیان می‌کند که زمان قسمتی از ساختار ذهنی انسان است (همراه فضا و عدد) آن‌چنان که ما در ذهن خود رشته رویدادها را دنبال می‌کنیم، هم‌چنین در ذهن خود برای طول آن اتفاقات کمیت‌هایی را از قبیل ثانیه و دقیقه تعریف می‌کنیم. [...] این دیدگاه حاصل کار لایبنیتس و کانت می‌باشد که زمان را قابل اندازه‌گیری نمی‌داند و می‌گوید تمام اندازه‌ها در سیستم ذهنی بشر رخ می‌دهد. [...] داود بن محمود قیصری، در سده هشتم هجری و در رساله «عمای زمان» می‌نویسد که «زمان نه آغازی دارد و نه پایانی. زمان قابل تقسیم نیست و آن‌چه که ما آن را بخش می‌کنیم تنها در پندار ماست». [۱۰:] با توجه به دو رویکرد فوق، می‌توان گفت که نگاه

ابوالمعانی بیدل به زمان، تلفیقی است میان هر دو روی‌کرده: بیدل زمان را اصولاً در درون انسان می‌جوید اما تقسیم ذهنی زمان را در مرحله تعبیر موجه می‌داند: ندارد حال ما اندیشه مستقیلاً مستقیلاً دیگرس که گم کردیم در آغوش دی، امروز و فردا را زمان به مثابه حال، امری مستمر و کیفیتی نفسانی است، اما از آن‌جایی که این حالت درونی قابل تفسیر با زبانی بسط و اخباری نیست، ناگزیر در اثر مقارنه زمان با بُعد خاصی، برای آن کمیت در نظر گرفته می‌شود و کمیت‌پذیری آن نیز در مقام اثبات است.

در نگرش‌های معاصر، زمان امری کمی نیست بلکه بیشتر کیفیتی نفسی شمرده می‌شود که تعدد را نپذیرفته و زیادت و نقصان را نیز بر نمی‌تابد. این نوع نگرش به زمان، عمدتاً توسط عرفا و فلاسفه شهودگرا پیش کشیده شده است که جای تأمل بیشتر دارد.

زمان به گونه‌ی که انشتین (۱۸۷۹-۱۹۵۵م) آن را بُعد چهارم می‌پندارد، فارغ از اجسام و ذوات قابل ادراک نیست کما این‌که اجسام نیز بدون زمان قابل فرض نیستند. با این وصف، سخن گفتن از تناسب زمان و عالم مؤجه است و این‌که انسان نیز به منزله بخشی از این عالم، چه نسبتی با زمان دارد؟ آیا نسبت انسان و زمان دقیقاً شبیه نسبت سایر اشیا با زمان است، و یا باید میان آن‌ها تفاوت قایل شد؟ پرسش‌های اندیشه‌آفرینی است که همواره مطرح بوده است.

عمدتاً در باب نسبت انسان و عالم با زمان، دو نوع نگاه مطرح است: یکی نگاه طولی و خطی به زمان، و دیگری هم نگاه دایره‌ی است چنان‌که دکتر سید حسن اخلاق می‌نویسد:

«انسان همواره خود را در زمان می‌یابد. من امروز آنی نیستم که دیروز بودم و در عین حال می‌توانم بگویم که «من می‌شوم» یعنی مداوم تغییر می‌کنم و در صیوروت هستم. در نگاه نخست توجه‌مان به زمان، به دو سؤال بر می‌خوریم: اولاً انسان در تناسب خویش با زمان می‌رسد آیا می‌توانم کاری بکنم که گذشته‌های از دست‌داده‌ام را بازگردانم؟ به دیگر عبارت بر زمان غالب آیم؟ ثانیاً در تناسب زمان با عالم، می‌خواهد دریابد که سیر زمان چه‌گونه است؟ برخی چون اسپنسر، موجودات را در زمان رو به پیشرفت و تطوّر تکاملی می‌دیدند و برخی چون آندره‌لالاند گرایش موجودات را به سوی انحلال می‌دانستند. و بالاخره برخی چون هراقلیطوس و اشپنگلر و نیچه، قابل به اطوار و ادوار بودند. دو نگاه نخست، دید خطی به زمان و نگاه اخیر دید دایره‌ی به زمان نام می‌گیرد. [۲: ۱۰۲]

نباید فراموش کرد، که توضیح زمان به این ساده‌گی نیست و اذهان بی‌شماری را در امتداد تاریخ دچار وسواس کرده است، حتا اگر ادعا شود که زمان تا اکنون به‌درستی شناخته نشده است، به‌گراف نخواهد بود.

ابوالمعانی بیدل نیز هم‌چون اکثر فلاسفه شهودگرا و متفطن، انسان را در محوریت زمان قرار می‌دهد و زمان را امری سیال و برخاسته از وجود آدمی می‌بیند و حرکت ازلی و ابدی را تنها برای انسان ممکن می‌داند. این‌جاست که انسان نسبت متفاوت‌تری با زمان می‌یابد و زمان در این نگاه، رودخانه‌ی جاری و شط روانی‌ست که می‌توان برخلاف مسیر آن حرکت کرد و به سرچشمه‌های شفاف و نخستین آن دست یافت کما این‌که می‌توان سریع‌تر از زمان نیز سیر نمود و در همین امروز به فردا رسید.

بیا تا دی کنیم امروز فردای قیامت را
که چشم خیره‌بینان تنگ دید آغوش رحمت را
در این‌جا، زمان با واحدهای زمانی یعنی دی، امروز و فردا سنجیده می‌شود و عبور از گذرگه زمان، با توجه به وسعت‌نگری آغوش رحمت، میسر می‌گردد. این فراخوان بیدل که همان رفتن به اول و آخر زمان است، واجد پیام بزرگی است و آن این‌که، زمان بیشتر با نوع بینش ما پیوند می‌یابد و نگاه ما به زمان، زمان را صورت می‌بندد.

با این توجیه، گذر از ابتدا به انتها و از انتها به ابتدای زمان در پرتو عنایات الهی امکانیت می‌یابد. نگاه این‌چنینی بیدل، دقیقاً محصول تجارب عرفانی وی است کما این‌که، عارف، گاه به جایی رحل می‌افکند که دیگر زمان ایستاده است و کاینات، حضورداران و شاهدان رفته و آینده‌اند، دیگر گذشته و آینده‌ی در کار نیست آن‌چه حضور دارد «اکنون» است که تمام اجزای زمان را از دور دست‌ها در خود جمع کرده و لحظات پیشینی و پسینی زمان را در «آنی» گره بسته است اما این «آن» وصل‌دهنده زمان، خود در عبور است و سکونی ندارد؛ پس زمان ایستاری نمی‌شناسد و پیوسته جاری است.

یک روز پس از پایان رسمی

مأموریت جنگی ناتو در افغانستان

احمد عمران

مأموریت رزمی پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)، طی یک مراسم رسمی در کابل پایان یافت. از آغاز سال جدید میلادی ۲۰۱۵، مأموریت ناتو در افغانستان تغییر می‌کند. مأموریت تازه ناتو که به نام «حمایت قاطع» مسمّا شده، عمدتاً به آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای امنیتی کشور تمرکز خواهد داشت. باراک اوباما رییس‌جمهوری امریکا در آستانه پایان یافتن مأموریت رزمی ناتو در افغانستان گفت که جامعه جهانی این کشور را فراموش نمی‌کند. به گفته آقای اوباما کمک‌های جامعه جهانی برای بازسازی و توان‌مندی بیشتر نیروهای افغانستان هم چنان ادامه خواهد یافت.

آقای اوباما پیش از این، در یک بیانیه رادیویی به مناسبت برگشت دوباره نظامیان امریکا به کشورشان تأکید کرده بود که مبارزه با تروریسم به نتایجی دست یافته که دیگر تهدیدی برای امریکا به شمار نمی‌رود. رییس‌جمهوری امریکا گفت که گروه‌های تروریستی چنان ضربه‌هایی را متحمل شده‌اند که دیگر قادر به انجام عملاتی نظیر یازده سپتمبر نیستند. در همین حال، آقای اوباما تهدیدهای گروه‌های تروریستی را کاملاً منتفی ندانست و اعلام کرد که امریکا در نقاط دیگری از جهان، به نبرد با گروه‌های تروریستی ادامه خواهد داد.

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که جنگ سیزده ساله به‌نوعی برای جامعه جهانی پایان‌یافته تلقی می‌شود. جنگی که سیزده سال پیش، پس از حمله به برج‌های تجارت جهانی در نیویارک، عملاً آغاز شد و با افت‌وخیزهای فراوان ادامه پیدا کرد. طی سیزده سال مبارزه با تروریسم، جامعه جهانی و در رأس آن ایالات متحده امریکا، سیاست یک‌دست و یک‌سانی را دنبال نکرده است. در یک مرور گذرا بر این سیاست دیده می‌شود که تروریسم برای کشورهای مختلف، معنای متفاوتی داشته است. زمانی که برج‌های تجارت جهانی مورد حمله شبکه القاعده قرار گرفت، جرج دبلیو بوش رییس‌جمهوری وقت امریکا، جهان را به دو اردوگاه تقسیم کرد؛ آثانی که با تروریست‌ها استند و آثانی که با تروریست‌ها

می‌جنگند. این سیاست در آن زمان قاطعیت خود را به نمایش گذاشت و در پی حملات متقابل ایتلاف جهانی ضد تروریسم بر پناهگاه‌های گروه‌های تروریستی، به شدت آن‌ها را پراکنده ساخت. رژیم طالبان در افغانستان نیز به دنبال حمله ایتلاف جهانی تروریسم به دلیل حمایت از القاعده سرنگون شد. در آن زمان هرگز فکر نمی‌شد که طالبان و یا گروه‌های تروریستی حامی آن، بتوانند یک بار دیگر وارد صحنه شوند. اما به دلیل نوسان‌های سیاست مبارزه با تروریسم، دیری نگذشت که افغانستان و منطقه شاهد شکل‌گیری دوباره گروه‌های تروریستی شد.

جنگ سیزده ساله در افغانستان به‌نحوی پیوند مستقیم با نوع مبارزه جهانی با تروریسم دارد. جامعه جهانی در سیزده سال مبارزه با تروریسم هرچند موفق به سرکوب بسیاری از این گروه‌ها شد و رهبر شبکه القاعده در یک عملیات نظامی ویژه امریکا از پا درآمد؛ اما انکار نمی‌توان کرد که مبارزه با تروریسم هرگز به آن اهداف بلندپروازانه‌یی که آقای بوش برای آن پیش‌بینی کرده بود، دست نیافته است.

جامعه جهانی بسیار دیر متوجه تهدید بزرگی به نام پاکستان در طرح کلان مبارزه با تروریسم شد، آن‌هم زمانی که مأموریت نظامی ناتو در افغانستان به پایان خود نزدیک می‌شد. بسیاری از کارشناسان نظامی باور دارند که اهمیت پاکستان برای امریکا در منطقه چنان بزرگ‌نمایی شده بود که این کشور نمی‌توانست در برابر آن دست به اقدام بزند. به معنای دیگر، پاکستان به شکلی توانست در سیزده سال، سیاست‌های جامعه جهانی را در مبارزه با تروریسم دور بزند و به سود منافع خود مصادره کند.

وقتی آگاهان نظامی در افغانستان، مأموریت نظامی ناتو را چندان موفقیت‌آمیز ارزیابی نمی‌کنند، عمدتاً به این بُعد مسأله توجه دارند. به باور این آگاهان، اگر ناتو از آغاز مبارزه با تروریسم پایگاه‌های تمویل و تجهیز آن را وجه همت خود قرار می‌داد، امروز نگرانی در میان شهروندان افغانستان به پیمانۀ فعلی گسترده نمی‌بود.

ناتو در حالی که مأموریت جنگی خود در افغانستان پایان می‌دهد که این کشور با موجی از ناامنی‌های

فراگیر دست‌وپنجه نرم می‌کند. آیا نظامیان افغانستان به این حد از توانایی و نیرو دست یافته‌اند که بتوانند یک‌تنه حریف گروه‌های تروریستی و دهشت‌افکن شوند؟

پاسخ این سوال چندان خوش‌بینانه نیست. بسیاری‌ها معتقدند که ناتو در حالی مأموریت تازه خود را در افغانستان اعلام می‌کند که نیروهای امنیتی این کشور، تجهیزات لازم و توانایی‌های اساسی برای این مبارزه را در اختیار ندارند. در همین حال، نگرانی نسبت به وضعیت، تنها محدود به شهروندان افغانستان نیست، بل برخی مقام‌های امریکایی نیز پایان مأموریت ناتو را خالی از چالش‌ها نمی‌دانند. به‌تازگی یک تن از مقام‌های پیشین امریکا گفته است که با توجه به تهدیدهایی که از سوی پاکستان و روسیه متوجه افغانستان است، پایان مأموریت رزمی ناتو می‌تواند مشکلات تازه‌یی را در برابر دولت افغانستان قرار دهد.

روسیه نیز که در این اظهارات مورد اتهام قرار گرفته، نسبت به وضعیت افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو ابراز نگرانی کرده است. مقام‌های کرملین با شک و تردید خروج نیروهای ناتو از افغانستان را دنبال می‌کنند. آن‌ها به گونه رسمی از پایان مأموریت ناتو در افغانستان استقبال نکرده‌اند و آن را به زبان امنیت و ثبات در منطقه خوانده‌اند. کرملین باور دارد که امریکا در جنگ سیزده ساله بدون آن‌که به اهداف اصلی خود دست پیدا کند، افغانستان را در وضعیت مبهم و نگران‌کننده رها می‌کند.

نگرانی از پایان مأموریت ناتو در افغانستان هم کم نیست. با توجه به وضعیت فعلی و ناامنی‌های موجود در کشور، بسیاری از شهروندان، پایان مأموریت رزمی ناتو را فصل تازه‌یی برای جنگ می‌دانند. اما این که آیا واقعاً پایان مأموریت ناتو چنین خواهد بود، موضوعی است که زمان به آن پاسخ می‌دهد. اما در این موضوع تردیدی نیست که گروه‌های دهشت‌افکن خلاف آن‌چه که حضور نیروهای خارجی را بهانه جنگ خود می‌دانند، با خروج این نیروها نیز حاضر به دست کشیدن از جنگ نخواهند بود.

داخلی هستیم.»

ولسوالی دانگام یکی از چهارده ولسوالی‌های ولایت کتر بوده که در نزدیکی مرز با مناطق باجور و دیر پاکستان قرار دارد.

این ولسوالی دارای اراضی پیچیده و جنگل زار بوده و گفته می‌شود که مخالفان مسلح تاحالا چندین بار حملات‌شان را بالای مردم و نیروهای امنیتی در این ولسوالی انجام داده‌اند.

دوتن از باشندگان دانگام نیز از وضعیت جاری ابراز نگرانی کرده و می‌گویند که مخالفان مسلح آنان را با مشکلات زیادی مواجه ساخته است.

در این حال، مسوولان ریاست عمومی امنیت ملی می‌گویند در جنگ دانگام بیشتر تروریستان خارجی و لشکر طیبه حضور دارند و هدف‌شان هم سرکوب قیام‌های مردمی و تصرف ولسوالی‌های این ولایت

بوده است.

همین اکنون نیروهای امنیتی در این ولسوالی مصروف درگیری با مخالفان مسلح هستند.

جنرال زمان وزیر فرمانده قول اردوی ۲۰۱ سیلاب در شرق افغانستان می‌گوید، در طول شانزده روز گذشته بیشتر مناطق را از تصرف مخالفان مسلح بیرون کرده‌اند.

به اساس معلومات مسوولان امنیتی در کتر تا حال ۱۵۷ مخالف مسلح و شش نیروی امنیتی کشور کشته شده‌اند.

مقامات ولایت کتر در حالی از وضعیت مردم در ولسوالی دانگام ابراز نگرانی کرده‌اند که روز یکشنبه مجلس سنا افغانستان نیز خواهان کمک‌های عاجل به آسیب دیده‌گان این ولسوالی گردید.

سوی تمامی نامزدانی که از جانب ما معرفی می‌شوند را نهایی کرده‌ایم و از این میان نامزدان شش کرسی را به رییس‌جمهور کشور در میان گذاشته‌ایم.»

رییس اجرائی کشور، ضمن ارایه معلومات بیشتر از جزئیات آنچه در جریان گفت‌وگوها میان جناب او و رییس‌جمهور محمد اشرف غنی گذشته است، به رییس مجلس نماینده‌گان و روسای کمیسیون های هژده‌گانه گفت:

«من یکبار دیگر تأکید می‌کنم که به هر صورت ممکن تا ختم وعده‌یی که رییس‌جمهور و من قبل از رفتن به کنفرانس لندن سپرده بودیم، کار معرفی کابینه را نهایی می‌کنم. قرار است در دیدار که فردا شب با جناب رییس‌جمهور کشور داریم، کار روی نهایی کردن اسم نامزد وزیران را به آخر برسانیم و امید وارم تا فردا شب لست که از جانب رییس‌جمهور کشور معرفی می‌شود نهایی

افغانستان همچنان مکانی...

چه نظامی و چه غیرنظامی - در افغانستان خدمت کردند، احترام می‌گذاریم.

رییس‌جمهوری امریکا تأکید کرد: ما نسبت به ارائه بهترین خدمات برای افرادی که در جنگ آسیب دیده‌اند متعهد هستیم. اغلب ما به خاطر داریم که بیش از ۲۲۰۰ امریکایی وطن‌دوست جانفشانی کردند و متعهدیم که در کنار خانواده آنها که نیازمند حمایت کشور هستند، باشیم.

اوباما اذعان کرد: افغانستان همچنان مکانی خطرناک است و مردم و نیروهای امنیتی این کشور به جانفشانی‌های خود در دفاع از کشورشان ادامه می‌دهند. به درخواست دولت افغانستان و با هدف آنچه در کنار یکدیگر به دست آورده‌ایم در نظر داریم حضور نظامی محدودی در افغانستان داشته باشیم که اهدافی نظیر آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای افغان و انجام عملیات‌های ضدتروریستی علیه بقایای القاعده را دنبال خواهیم کرد. نیروهای نظامی ما همچنان با خطرانی مواجه خواهند بود اما این مسأله بازتابی از تعهد مداوم امریکا در قبال مردم افغانستان و در قبال تمامیت ارضی، امنیت و اتحاد این کشور است که هرگز پایان نمی‌یابد. در ۱۳ سال گذشته کشور ما و نیروهای نظامی ما مورد آزمون قرار گرفته‌اند. با این حال در مقایسه با ۱۸۰ هزار نیروی امریکایی در عراق و افغانستان در زمان آغاز دوره ریاست‌جمهوری من، ما اکنون کمتر از ۱۵ هزار نیرو در این دو کشور داریم، بنابراین حدود ۹۰ درصد نیروها اکنون به کشور بازگشته‌اند. ارتش ما بهترین جایگاه در دنیا را داراست و ما هوشیاری خود را درخصوص حملات تروریستی و برای دفاع از آزادی‌ها و ارزش‌های خود حفظ کرده‌ایم.

هم‌زمان در یک مراسم رسمی که یکشنبه عصر در مقر فرماندهی نیروهای ناتو در کابل برگزار شد، مأموریت رزمی نیروهای ایساف به رهبری ناتو رسماً پایان یافت و بعد از این نیروهای ناتو مستقر در افغانستان فقط در آموزش نیروهای داخلی مشارکت خواهند کرد و نقش آنان حمایتی خواهد بود.

در این مراسم جنرال جان کمپبل، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان از فداکاری‌های نیروهای افغان و نیروهای تحت فرمانش ستایش کرد.

خروج ناتو از افغانستان...

آلمانی در افغانستان که با هدف ارایه آموزش‌های نظامی خواهد بود، حاوی این پیام برای دولت و مردم این کشور است که همچنان می‌توانند روی کمک ما حساب کنند.

در همین رابطه سبستین فیشر معاون سخنگوی وزارت امورخارجه آلمان نیز در سخنانی با اشاره به پیشرفت‌های بدست آمده در طول سال‌های حضور نظامیان خارجی در افغانستان، افزود: به رغم حضور طولانی مدت نظامیان ناتو ما همچنان شاهد ناامنی، قاچاق گسترده مواد مخدر، فساد بالای اداری و مالی و همچنین ناکامی در روند برقراری صلح و آشتی بین طالبان و دولت این کشور هستیم.

رسانه‌های آلمان روز دوشنبه با توجه به پایان مأموریت نظامیان خارجی و آلمان در افغانستان با فرارسیدن روزهای پایانی سال ۲۰۱۴ به این نکته اشاره کردند که بعد از ۱۳ سال حضور نظامیان ناتو در افغانستان، طالبان در این کشور همچنان با قدرت به کار خود ادامه می‌دهد و بی ثباتی و ناآرامی کماکان حاکم است.

در سرمقاله‌های رسانه‌های آلمانی به صورت عمده این پرسش مطرح شده است که وقتی نیروهای نظامی بین المللی با تمامی امکانات خود بعد از ۱۳ سال حضور مستمر قادر به تأمین امنیت کامل در افغانستان نبوده‌اند، نیروهای محلی چگونه قادر خواهند بود به تنهایی از پس از این مأموریت مهم برآیند.

در همین رابطه نتایج یک نظرسنجی در آلمان که در رسانه‌های این کشور منتشر شده نیز حکایت از این دارد که بیشتر مردم این کشور معتقدند مأموریت نظامی آلمان در افغانستان با موفقیت همراه نبوده و منجر به برقراری صلح و امنیت در این کشور نشده است.

شود.»

در پایان این دیدار، عبدالروف ابراهیمی، رییس مجلس نماینده‌گان ضمن تشکر و قدردانی از رییس اجرائیه کشور، گفت:

«با صحبت‌های همه جانبه و معلومات مفصّلی که شما از جزئیات کار در این مدت ارایه کردید، ما پاسخ‌های مان را گرفتیم. ما ضمن این‌که به زودی با رییس‌جمهور کشور نیز می‌بینیم، امیدوار هستیم که شما در دیدار فردا شب‌تان کار روی نهایی شدن لست نامزد وزیران را نهایی کنید.»

در همین حال، عرفان الله عرفان عضو هیأت اداری مجلس نماینده‌گان گفته است که این مجلس منتظر است حکومت تا روز پنج شنبه، سرنوشت کابینه را روشن کند در غیر آن، مجلس روز شنبه، در برابر حکومت تصمیم جدی را روی دست خواهد گرفت.

بزرگترین برنامه شنود انگلیس از جنگ دوم جهانی در افغانستان



مقر ارتباطات دولت انگلیس (GCHQ) برای حفاظت از سربازان این کشور، بزرگترین برنامه شنود از زمان جنگ جهانی دوم را در مناطق جنوبی افغانستان انجام داد. به نوشته روزنامه دیلی میل، منابع امنیتی برای نخستین بار اعلام کردند، مقر ارتباطات دولت انگلیس که آژانس شنود الکترونیکی دولت است، ۱۰ پست مخفی را اغلب در داخل پایگاه‌های دور افتاده نظامی این کشور واقع در ولایت هلمند، جنوب افغانستان مستقر کرد تا به جمع آوری اطلاعات در جریان مقابله با شبه نظامیان بپردازد. عملیات این آژانس در ۲۰۱۴ به اوج خود رسید و هدفش کنترل مکالمات و ارتباطات طالبان با هدف خنثی کردن برنامه‌هایشان در هدف قرار دادن کاروان‌های آسیب پذیر ارتش انگلیس حین خروج از افغانستان بود. مقیاس دخالت این آژانس در کمپین نظامی انگلیس تنها زمانی مشخص شد که آژانس جاسوسی چلتنهام خروج نیروها و تجهیزات خود از افغانستان را تکمیل کرد. این آژانس که در حال حاضر با اتهامات ادوارد اسنودن، مقطعه کار سابق آژانس امنیت ملی امریکا درباره جمع آوری اطلاعات و شنود مکالمات دست و پنجه نرم می‌کند، بیش از ۴۰۰ تن از تجهیزات تکنیکی و کنترل مکالمات و شنود را از افغانستان خارج کرده است. این تجهیزات شش برابر آنچه است که انگلیس در جریان جنگ عراق از آن‌ها استفاده کرد. یکی از منابع امنیتی گفت: سیگنال‌های اطلاعاتی برای

مواجهه با اقدامات شبه نظامیان حساس هستند و این استقرار بزرگترین پس از جنگ جهانی دوم است. در بحبوحه انجام کمپین استقرار تجهیزات شنود مقر ارتباطات دولت انگلیس در جنوب افغانستان و زمانی که نیروهای انگلیسی هر ماه با تلفات زیادی مواجه بودند، این آژانس تمام تلاش خود را برای تعیین و هدف قرار دادن فرماندهان طالبان که تجهیزات ساخت بمب را از پاکستان به افغانستان قاچاق می‌کردند به کار بست. در یک نمونه تحلیلگران این آژانس، فرماندهی را که قصد انتقال بیش از ۱۵ تن مواد منفجره را از طریق مرز داشت شناسایی و متوقف کردند. یک مقام امنیتی گفت، این آژانس اطلاعاتی ارتش انگلیس را قادر کرد تا برای متوقف کردن این فرمانده طالبان و از بین بردن شبکه تامین تجهیزات اقدامی انجام دهد. کارمندان مقر ارتباطات انگلیس بلافاصله پس از حضور نیروهای این کشور در افغانستان در سال ۲۰۰۱ به این کشور اعزام شدند و برای مقابله با تروریسم، رهگیری و متوقف کردن فرماندهان طالبان و خنثی سازی عملیات آن‌ها در افغانستان به کار گمارده شدند. تعداد ۳۰ کارمند این مقر در افغانستان حضور داشته و توسط یک تیم ۹۰ نفره در انگلیس پشتیبانی می‌شدند. فرماندهان ائتلاف ناتو بر این عقیده بودند که خروج نیروهای انگلیسی از جنوب افغانستان که کمربند بمب‌گذاری‌ها و مین‌های کنار جاده‌ای است، کاروان‌های نظامیان و سربازان را در برابر حملات طالبان و شبه نظامیان این گروه آسیب پذیر می‌کند و همین عقیده باعث شد تا مقر ارتباطات دولت انگلیس عملیات شنود مکالمات خود را از طالبان تشدید کند تا از سربازان خود حمایت کرده باشد. ماموریت نظامی انگلیس در افغانستان در اکتبر ۲۰۱۴ و با بسته شدن پایگاه «بشن» پایان یافت اما حدود ۵۰۰ سرباز از جمله هیات ویژه مقابله با تروریسم همچنان در کابل، پایتخت باقی می‌مانند. آژانس‌های اطلاعاتی انگلیس همچنین پس از پایان ماموریت نظامی ناتو در افغانستان می‌مانند.

طالبان پاکستان:

اعضای ارتش پاکستان «احمق‌ترین مخلوقات» هستند



حزب تحریک طالبان پاکستان اعضای ارتش پاکستان را احمق‌ترین مخلوقات خواند و از آنها خواست به این گروه بپیوندند. به گزارش خبرگزاری پی تی آی، در این پیام که طی یک ویدیو منتشر شده، عدنان رشید یکی از مقامات نیروی هوایی سابق ارتش پاکستان با اشاره به اقدامات این نهاد طی جنگ آزادی بنگلادش در سال ۱۹۷۱ از سربازان ارتش این کشور خواسته تا به حزب تحریک طالبان پاکستان بپیوندند. در این ویدیوی ۱۵ دقیقه‌ای که پیش از کریسمس منتشر شد، رشید نیروهای ارتش پاکستان را به آزار زبردستان خود متهم کرد. این عضو حزب طالبان پاکستان در این ویدیو که در آن به زبان انگلیسی است، می‌گوید: به یاد آورید زمانی را که مردم مناطق قبیله‌ای به خاطر شما در سال ۱۹۴۸ جنگیدند و مناطق جامو و کشمیر را آزاد کردند. وی در ادامه اظهاراتش اشتباهاً تاریخ جنگ‌ها را متذکر شد و گفت: امیدوارم به یاد بیاورید زمانی را که نیمی از کشور را به هند تسلیم کردید. به یاد آورید زمانی را که هزاران تن از جوانان پاکستانی جنگ نیابتی شما را در افغانستان و کشمیر هند

برعهده گرفتند. رشید در ادامه از ارتش پاکستان پرسید که آیا این اقدامات را جبران کرده است یا نه و سپس به هزاران نمونه از ناسپاسی این نهاد از جمله کشتار هزاران بلوچ اشاره می‌کند. وی همچنین ارتش پاکستان را به تروریسم خواندن «جهاد» و تروریست خواندن «مجاهدین» متهم کرد. این عضو حزب تحریک طالبان پاکستان در انتهای پیام ویدیویی خود با مسخره کردن سربازان پاکستانی به عنوان احمق‌ترین مخلوقات، از آنها خواست تا از دستورات جنرال و مارشال‌ها اطاعت نکنند.

سرپرست ولایت غور:

حکومت مرکزی در حق غور بی‌عدالتی کرده است

سرپرست ولایت غور در کنار این تاکید دارد که زمینه سازی بخشی از تحریکات طالبان در ولایت غور، از سوی این افراد سازماندهی می‌شود و این به ناامنی غور افزوده است. در همین حال؛ آقای رحمتی معتقد است که کمبود نیروی امنیتی کافی، مهمترین دلیل گسترش فعالیت‌های گروه‌های مسلح غیرمسول می‌باشد. به بیان وی، توزیع نیروی امنیتی در غرب افغانستان، ناعادلانه است و نباید چندین برابر دیگر ولایات در غور، نیروی امنیتی وجود داشته باشد. او از مقامات مرکز کشور خواست تا برای بهبود امنیت این ولایت، به زودترین فرصت طرح و برنامه درستی را آماده کرده و در غور آرمش به وجود آید. گفتنی است که در ولایت غور در غرب افغانستان، بیشتر گروه‌های مسلح غیرمسول فعالیت دارند تا طالبان مسلح. این گروه‌ها به صورت مستقیم با طالبان ارتباطی ندارند. بنا به گفته‌های مقامات محلی، راه‌های درآمدزایی این گروه‌ها، باج گیری، اختطاف و حمایت برخی از سران برجسته‌ی دولتی می‌باشد.

سرپرست ولایت غور می‌گوید که دولت مرکزی به صورت غیرعادلانه، نیروی امنیتی در این ولایت را توظیف کرده و این روند باعث شده تا گروه‌های مسلحی که به مراتب از مخالفان دولت خطرناک‌تر هستند، در این ولایت فعالیت داشته باشند. به گفته سیدانور اعلا رحمتی، این افراد به عنوان نیروهای مسلح غیرمسول هستند که بیشتر ناامنی‌های غور برگرفته از تحریکات آنان است. سیدانور اعلا رحمتی، سرپرست ولایت غور در جمعی از خبرنگاران گفت: تعداد این افراد نزدیک به ده هزار تن می‌رسد که با فعالیت‌های مخربانه خود، مانع انکشاف و سازندگی در این ولایت شده‌اند. به گفته وی، این افراد در بسیاری از ناامنی‌ها، دست داشته و مانع صلح و آرایش مردم می‌شوند. آقای رحمتی همچنین افزود که از این گروه‌های خطرناک، شماری از نماینده‌گان مردم غور در پارلمان و برخی از سران دولتی در کابل حمایت می‌کنند. او گفت که این تفنگداران به مراتب خطرناکتر از گروه‌های مسلح مخالف دولت می‌باشند و نباید دولت آنها را نادیده بگیرد.



ورزش

مورینیو:

داور باید بنویسد اشتباه کرده است!



سیتی کارت گرفته بود. آقای خاص هر بار که بازیکنانش کارت گرفته‌اند، به انتقاد از داوران پرداخته است. مورینیو در این زمینه گفت: روشن است که این نتیجه در واقع همه چیز را شبیه یک جنگ می‌کند. در دیدار مقابل برنلی، دیگو کاستا به خاطر تصمیم داور برای شیرجه رفتن در محوطه جریمه حریف کارت زرد گرفت اما در واقع باید بازیکن برنلی اخراج می‌شد و یک پنالتی هم به سود ما اعلام می‌شد. مدتی بعد ما در یک دیدار دیگر به خاطر کارت زردی که فابریگاس گرفت، دو امتیاز حساس را از دست دادیم. در فوتبال ما باید همواره تلاش کنیم که رخدادهای بد در هر دیدار را به نوعی تغییر دهیم اما برخی اتفاقات

سرمربی چلسی تاکید کرد داور مسابقه باید در گزارش بازی‌اش بنویسد که اشتباه کرده به فابریگاس کارت زرد نشان داده است. چلسی در هفته نوزدهم لیگ برتر انگلیس با تساوی یک بر یک در خانه ساوتهمپتون متوقف شد. آبی‌های لندن با این تساوی و کسب ۴۶ امتیاز با حفظ صدرنشینی موفق شدند به قهرمانی در نیم‌فصل لیگ برتر انگلیس دست پیدا کنند. از سوی دیگر ساوتهمپتون هم با ۳۳ امتیاز رتبه چهارم لیگ را در اختیار گرفته است. در این دیدار، مت تارگت روی سسک فابریگاس خطا کرد اما داور به خاطر آن که تشخیص داد فابریگاس قصد فریب او را داشته است به وی کارت زرد نشان داد. این چهارمین بازیکن چلسی است که به خاطر فریب داور در هفته‌های اخیر کارت زرد دریافت می‌کند. این موضوع موجب شد تا ژوزه مورینیو به انتقاد از داور بپردازد و چلسی را قربانی رقابت‌های این فصل بداند. گری کیهیل، مدافع چلسی هم در ابتدای دسمبر به خاطر شیرجه رفتن در رویارویی با هال

ژاوی:

بازی برای کاتالونیا برایم افتخار است

کاپیتان بارسلونا اعلام کرد دوست دارد باز هم برای تیم ایالت کاتالونیا به میدان برود. منتخب کاتالونیا شب یکشنبه در ورزشگاه جدید سن مامس به مصاف تیم ایالت باسک رفت که این دیدار در نهایت به تساوی یک بر یک انجامید. ژاوی هرناندس پس از این دیدار گفت: این یک دیدار بسیار عالی برای ما بود. از این که به عنوان دو تیم از ایالت کاتالونیا و کشور باسک به مصاف هم رفتیم احساس غرور و افتخار می‌کنم. ما همیشه در اینجا مورد استقبال قرار می‌گیریم. ژاوی که از تیم ملی فوتبال اسپانیا کناره‌گیری کرده است، اعلام کرد، از این که بتواند بازی‌های بیشتری برای تیم ملی کاتالونیا انجام دهد خوشحال خواهد شد. وی در این باره هم گفت: اگر بعدها هم فوتبال بازی می‌کردم و اگر توسط مربی ایالت کاتالونیا باز هم به این تیم دعوت شدم، بدون شک دوست دارم در این تیم بازی کنم.



مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1445 Tuesday 30 Decmber 2014

DAILY

Mandegar

هیأت مجلس فرصت دیدار با رییس جمهور را نیافته است



پس از پایان ضرب‌الاجل یک هفته‌یی مجلس برای معرفی کابینه، شنبه گذشته مجلس نمایندگان تصمیم گرفت که هیأتی از مجلس به منظور تأکید در معرفی کابینه با رییس جمهور محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله رییس اجرائی حکومت دیدار کند. اما، اعضای هیأت اداری مجلس نمایندگان صبح دیروز دوشنبه به رسانه‌ها گفتند که تا هنوز موفق نشده‌اند زمان ملاقات با رییس جمهور را تنظیم کنند. بگو مگوهایی وجود داشت که گویا رییس جمهور تمایل ندارد با هیأت مجلس دیدار کند. نایب منشی مجلس این گمانه زنی‌ها را رد نموده تأکید ورزید: تلاش می‌شود هیأت موظف مجلس تا دو روز آینده زمان دیدار با رییس جمهور غنی را مشخص کند. آقای عرفان در مورد اقدام بعدی مجلس در صورت عدم معرفی کابینه، بیان داشت: «متأسفانه پارلمان افغانستان صلاحیت ندارد که حکومت را منحل کند؛ اما راهکارهای موثر را من حیث آلت فشار بر حکومت استفاده خواهیم کرد». او در مورد موثرت دیدار هیأت مجلس به منظور تأکید بر معرفی کابینه تصریح کرد: این خواست تمام مردم افغانستان است که رییس جمهور و رییس اجرائی هرچه زود تر کابینه شان را معرفی کنند و مجلس نیز این خواسته را در دیدار با رهبران حکومت وحدت ملی به صورت جدی مطرح می‌کند. رییس جمهور غنی قبل از شرکت در نشست لندن، وعده سپرد که وزرای کابینه را در مدت چهار هفته معرفی خواهد کرد؛ اما هم اکنون این مدت به پایان رسیده و تا هنوز هیچ نامزد وزیری معرفی نشده است. در همین حال، دیگر اعضای شورای ملی رییس جمهور را به خلف وعده‌های داده شده به مردم متهم می‌کنند و هشدار می‌دهند در صورت ادامه چنین وضعیت توان مردم به سر آمده و به جاده‌ها بیرون خواهند

رفیع الله گل افغان معاون دوم مجلس سنا گفت: «متأسفانه تا هنوز وزرای کابینه خلاف وعده‌های رییس جمهور و رییس اجرائی معرفی نشده اند؛ مردم از ادامه این روند به تنگ آمده اند و عدم معرفی کابینه یک فاجعه به بار آورده است». معاون دوم مجلس سنا می‌گوید که با توجه به زد و بندها و چانه زنی‌های سیاسی عدم معرفی کابینه هفته‌های دیگر نیز طول خواهد کشید. او هشدار داد: در صورتی که کابینه زودتر معرفی نشود، مردم در اعتراض به این مساله به جاده‌ها بیرون خواهند شد. گل افغان بیان داشت: «امید مردم از حکومت قطع شده است؛ همه حرف‌ها، حرف باقی ماندند و اصلاحات به میان نیامد؛ در صورت ادامه این وضعیت مردم به حرکت‌های مدنی اقدام خواهند کرد». عبدالستار درزایی عضو مجلس نمایندگان نیز می‌گوید: «روزی خواهد شد که همه مردم به کوچه‌ها و خیابان‌ها بریزند و نا کار آمدی این حکومت را بر سر زبان‌های بیاورند و یک آشوب بزرگ و وضعیت خطرناک در کشور به وجود آید». آقای درزایی افزود: آنچه که مردم توقع داشت تا هنوز حکومت کاری انجام داده نتوانسته و عدم توانایی آقای غنی و عبدالله در معرفی کابینه صلابت حکومت را نزد مردم پایین آورده است. از تشکیل حکومت وحدت ملی ۳ ماه می‌گذرد؛ اما رییس جمهور و رییس اجرائی تا هنوز نتوانسته اند وزیری را به کابینه معرفی کنند. نه تنها، وزارت‌ها خلاف قانون سرپرستی توسط سرپرستان اداره می‌شوند بلکه ولایات و فرماندهی امنیه ولایات نیز توسط سرپرستان اداره می‌شوند. مردم افغانستان باور دارند که این مساله مشکلات زیادی را در کشور به بار آورده است.

«پس از سده تاخت و ایستاده‌گی» رونمایی شد

خوبی ست و سرمشق برای کسانی است که در مقام و منصبی کار می‌کنند تا داشته‌های خود را نوشته و با مردم در میان بگذارند. آقای منصور تأکید کرد: اگر این کار، سرمشق شود ما شاهد تحول بزرگی در کشور خواهیم بود. آقای منصور افزود: «این کتاب با صحافت بسیار خوبی به نشر رسیده و ارزش آن را دارد تا در کتابخانه‌ها نگهداری شود و هم‌چنان از نظر نوشتاری هم غلط‌های انشایی اندکی دارد و نویسنده کتاب از زبان‌های فارسی و پشتو برای رساندن مطالب خود استفاده کرده که کاری بس نیکو است». آقای منصور تأکید: آقای صالح، در حالی که در بخش نوشتن، آموزش رسمی و حرفه‌یی ندیده است اما با استعداد ذاتی که داشته کوتاه و گویا موضوعات را بیان کرده است. آقای منصور نبود منبع و تواضع منفی نویسنده را از نقص‌های این کتاب بر شمرد.



هارون مجیدی

محمد اکرام اندیشمند نویسنده و یکی دیگر از سخنرانان این برنامه گفت: نویسنده روی مسایل اساسی تمرکز کرده و زمانی که خواننده این کتاب را می‌خواند، موارد مهمی برایش باقی نمی‌ماند. آقای اندیشمند افزود: نویسنده این کتاب در نوشته‌ها و گفت‌وگوهای خود در کنار این‌که، پاکستان را به عنوان عامل بی‌ثباتی در افغانستان معرفی کرده، تحلیل درستی از این کشور را نیز پیش کش کرده و برتری‌های این کشور را نسبت به افغانستان به تحلیل گرفته است. آقای اندیشمند نیز با انگشت نهادن روی کاستی‌های کتاب از نویسنده خواست تا در چاپ‌های بعدی آن را در نظر داشته باشد. آخرین سخنران و منتقد این برنامه، دکتر شمس الحق آریانفر بود. او گفت: بعد از اتفاق افتادن ۱۱ سپتمبر و موضوعاتی که به میان آمد، امریکایی‌ها کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته اند. اما، از طرف ما کار در خوری صورت نگرفته که آقای صالح به عنوان یکی از چهره‌هایی که در آن زمان حضور داشتند، این جریانات را در نوشته‌های آمده در این کتاب به گونه دقیق آورده اند. آقای آریانفر تأکید کرد که گفته‌ها در پیوند به جهاد و مقاومت مردم افغانستان به پایان نرسیده و در این حوزه سخن‌های نگفته زیاد وجود دارد. او از تمامی کسانی که در این جریان حضور مستقیم داشته اند خواست تا به بیان وقایع این دوره برای نسل امروزی بپردازند. کتاب پس از سده تاخت و ایستاده‌گی مجموعه ۱۵ نیشته، سخنرانی و گفت‌وگوی امرالله صالح رییس روند سبز افغانستان است که در ۳۰۳ برگ توسط نشر تکانک در ۲۰۰۰ نسخه در تابستان امسال در کابل به نشر رسیده است. این برنامه، با صرف نان چاشت به پایان رسید.

نخستین کتاب امرالله صالح، رییس پیشین امنیت ملی افغانستان دیروز در کابل رونمایی و نقد شد. در این برنامه، شماری از نویسندگان، پژوهش‌گران، استادان دانشگاه و دانشجویان اشتراک کرده بودند. کتاب «پس از سده تاخت و ایستاده‌گی» توسط عبدالحفیظ منصور، اکرام اندیشمند و دکتر شمس الحق آریانفر نقد و بررسی شد. در آغاز برنامه، امرالله صالح نویسنده کتاب «پس از سده تاخت و ایستاده‌گی» ضمن خوش آمدگویی به مهمانان در پیوند به نیشته‌ها و سخنرانی‌های آمده در این کتاب گفت: «بیشترین نیشته‌ها و گفته‌های آمده در این مجموعه، مرتبط می‌شود به دوره پس از طالبان؛ یعنی ما یک سده تاخت و تاز و تهاجم را به تجربه گرفتیم که در عین سده، مردم افغانستان ایستاده‌گی کردند». آقای صالح هم‌چنان گفت: در آن زمان تصور ما این بود که آیا ۲۰۰۱، گشایش نو به افق تاریخ افغانستان است و ما می‌توانیم شاهد بنیان‌گذاری پدیده دولت-ملت در کشور باشیم تا افغانستان را از دایره فقر، بیچاره‌گی و بی‌اتفاقی نجات دهیم. نویسنده کتاب پس از سده تاخت و ایستاده‌گی، افزود: «در هیچ گوشه‌یی از این نوشته‌ها نمی‌باید که از خود چهره برتر ساخته باشیم؛ در حالی که در حوادث گذشته، در بخش‌های مختلف شاهد و یا سهیم بوده‌ام و این موارد را آنچه بوده در این کتاب روایت کرده‌ام». عبدالحفیظ منصور نویسنده و نماینده مردم در مجلس در پیوند به کتاب پس از سده تاخت و ایستاده‌گی، گفت: نشر این کتاب گام

Mandegar Mandegar Daily News paper روزنامه صبح افغانستان

به اطلاع عموم خواننده‌گان و علاقه‌مندان روزنامه ماندگار رسانیده می‌شود که با آغاز سال نو میلادی، توزیع رایگان این روزنامه پایان می‌یابد. بنابراین از کلیه اشخاص، نهادها و اداراتی که هم‌چنان علاقه‌مند این رسانه نوشتاری هستند، درخواست می‌شود که به اداره روزنامه ماندگار مراجعه و فرم اشتراک دریافت کنند تا از این پس این روزنامه را درب منزل یا دفتر کاری خویش تحویل بگیرند.

روزنامه ماندگار بازرگانی و تبلیغاتی شما را می‌پذیرد						روزنامه ماندگار برای سال آینده میلادی و خورشیدی مشترک می‌پذیرد		
تست صفحه اول	تست صفحه آخر	تست صفحه اول	تست صفحه اول	تست صفحه اول	تست صفحه اول	پسرای دفاتر	دفاتر خارجی	پسرای دفاتر
350\$	500\$	250\$	150\$	400\$	200\$	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۴۰۰۰ دلار	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی
برای نشر اعلانات تان به این شماره‌ها تماس بگیری: ۰۷۸۴۳۰۱۶۶ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵						برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوی: ۰۷۸۴۳۰۱۶۶ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵		